

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفاوت‌های فقه و عرفان

قول دادیم که بعد از اتمام بحث تعقیبات، وارد بحث منافیات نماز شویم. مقدمتاً این را عرض کنم که احکام عبادی و عبادات از دو منظر قابل توجه و مطالعه هستند: یکی از منظر قواعد و دستورات فقهی، که صحت عمل منوط به مراعات آن دستورات است. اگر نمازی بخواهد صحیح باشد، باید در به‌جا آوردن آن نماز، احکام فقهی مراعات شود؛ در وضو گرفتن و طهارت، در جهت قبله، در مکان نماز، در لباسی که نمازگزار برتن می‌کند، در وقت نماز و در آنچه که در مقارنات نماز است و صحت نماز از نظر فقهی به آنها مشروط است.

غایت فقه انجام تکلیف و اسقاط آن است و هدفش صحت عمل است؛ اما عرفان افق دیگری را مورد توجه قرار می‌دهد. در عرفان هدف این نیست که فقط ما وظیفه‌مان را انجام داده و تکلیفی را که از نظر شرعی بر عهده‌مان است، به‌جا آورده باشیم؛ بلکه از منظر عرفان، غایت و منظور در اعمال عبادی، نیل به تأثیرات سازنده‌ای است که عمل عبادی می‌تواند داشته باشد. نماز می‌تواند آثار سازنده‌ای در تعالی و تکامل انسان داشته باشد. «الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ»^۱ نماز معراج انسان است و «الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ»^۲ نماز مایه‌ی

^۱ مجلسی، بحار، ج ۷۹، ص ۳۰۳ و مجلسی، روضة المتقین، ج ۲، ص ۱۷ و محدث قمی، سفینة البحار، ج ۲، ص ۲۶۸.

^۲ کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲۶۵ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۴۳ و مجلسی، بحار، ج ۷۹، ص ۳۰۷.

قرب هر انسان پرهیزگار به خدای متعال است. قرآن فرمود: «**اقم الصلاة لذكركم**»^۳ نماز را به پا بدار، برای اینکه یاد مرا در وجود و زندگیت زنده کرده باشی؛ یا فرمود: «**ان الصلاة تنهى عن الفحشاء و المنكر**»^۴ نماز انسان را از پلشتی‌ها، آلودگی‌ها و زشتی‌ها باز می‌دارد. قرآن و احادیث آثار سازنده‌ای را برای نماز بیان کرده‌اند.^۵ غایت عرفان رسیدن به این آثار سازنده، نیل به قرب الهی، رسیدن به لقاء و وصال الهی و عروج در این معراج ربّانی است؛ که با هدفی که فقه از نماز دارد، فرق می‌کند. فقه فقط به صحت نماز دقت می‌کند؛ اما عرفان به مقبولیت نماز عنایت دارد و گفته‌ایم مقصود از مقبولیت در اعمال دینی، دستیابی به سازندگی‌های مدنظر از آن احکام است؛ بنابراین می‌توان به این تفاوت توجه کرد. بین انجام تکلیف نماز و اسقاط آن از عهده‌ی نمازگزار، و نیل به کمالات و آثار ارزشمندی که نماز باید داشته باشد، فاصله‌ی بسیار زیادی است.

^۳ سوره‌ی طه، آیه‌ی ۱۴.

^۴ سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۴۵.

^۵ از جمله آیاتی که به نماز اشاره کرده‌اند: سوره‌ی بقره، آیات ۳، ۴۳، ۸۳، ۱۱۰، ۴۵، ۱۵۳ و ۲۷۷ و نساء: ۷۷ و ۱۰۳ و مائده: ۱۲ و أنعام: ۷۲ و ۱۷۰ و أنفال: ۳ و براءة: ۵، ۱۱ و ۷۱ و رعد: ۲۲ و ابراهیم: ۳ و ۳۷-۴۰ و مریم: ۳۱ و ۵۵ و طه: ۱۴ و ۱۳۲ و انبیاء: ۷۳ و حج: ۴۱ و ۷۸ و نور: ۵۶ و نمل: ۳ و عنکبوت: ۴۵ و روم: ۳۱ و لقمان: ۴ و ۱۷ و فاطر: ۱۸ و ۲۹ و شوری: ۳۸ و مجادلة: ۱۳ و مزمل: ۲۰ و مدثر: ۴۳ و قیامة: ۳۱ و علق: ۱۰ و بیّنة: ۵.

و از جمله روایاتی که اشاره به فضیلت نماز و نهی از ترک آن دارد: مجلسی، بحار، ج ۷۹، ص ۱۸۸-۲۳۶ و کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲۶۴-۲۷۰ و محدث‌نوری، ج ۳، ص ۹-۱۱ و ۴۴-۴۶.

تعریف مبطلات و منافیات نماز

با توجه به نکته‌ای که خدمتتان عرض کردم، به آنچه با صورت نماز مغایرت دارد، اصطلاحاً "مبطلات نماز" می‌گویند؛ یعنی چیزهایی که نماز را باطل می‌کند و با احکام قلبی نماز مغایر است. فقه به احکام قلبی می‌پردازد؛ یعنی احکامی که باید پیکره و اعضای ما در انجام عبادت، آنها را مراعات کند. از آنچه با احکام قلبی که فقه متکفل بیان و تبیین آنهاست، تعارض داشته باشد، به مبطلات نماز تعبیر می‌شود؛ و آنچه با احکام قلبی نماز، یعنی با باطن نماز مغایرت دارد، از آن به "منافیات نماز" تعبیر می‌کنیم؛ یعنی چیزهایی که با نماز منافات دارد. آنچه با ظاهر نماز مغایرت داشت، مبطلات نماز بود. آنچه با باطن نماز و احکام قلبی آن مغایرت دارد، منافیات نماز.

فقه مبطلات نماز را به روشنی بیان کرده است. چون اکثر ما مقلد هستیم و از نظر فقهی مجتهد نیستیم، به رساله‌ی مراجع مراجعه نموده و ملاحظه کرده‌ایم که در رساله‌ها مبطلات نماز از نظر فقهی بیان شده است؛ یعنی چیزهایی که شرط صحت نماز است و نقض هر یک از آنها، مایه‌ی بطلان نماز خواهد شد.

مبطلات در مقدمات نماز

مثلاً اگر طهارتی که در نماز لازم است، نقض شود؛ (طهارت از نماز هم طهارت از حدث اصغر است، هم حدث اکبر؛ یعنی هم نباید غسلی بر انسان واجب باشد و هم اینکه باید انسان در نماز با وضو باشد.) طبیعتاً اگر طهارت از دست رفت، نماز باطل شده است. یا اگر نجاستی در بدن باشد، با یک استثنای ویژه‌ای که راجع به خون است، (نمی‌خواهم

الآن وارد بحث احکام فقهی شوم) اگر کسی آگاهانه با لباس نجس نماز بخواند، منجر به باطل بودن نماز می‌شود. یا در مورد مکان نماز، اگر کسی در مکان غصبی نماز بخواند، این نماز باطل است. یا اگر محلی که او پیشانی بر خاک می‌نهد و سجده‌گاه اوست، نجس باشد، آن نماز درست نیست. یا بر چیزی که از نظر فقهی سجده کردن بر آن جایز نیست، سجده کند، آن نماز باطل خواهد بود. یا در مورد لباس نمازگزار، اگر لباس غصبی باشد و حتی یک نخ غصبی در لباس باشد، آن نماز باطل است. یا از آن لباس ستر کامل، یعنی مقداری که شرعاً باید پوشیده باشد، حاصل نشود؛ (که در مورد آقایان و خانمها متفاوت است. در رساله‌های فقها دیده‌اید.) اگر حدّ ضرورت در ستر و پوشش تأمین نشود، نماز باطل است. یا فرد جامه‌ی ناپاک و نجسی بر تن کرده باشد؛ یا برای مردها، مرد جامه‌ی ابریشمین و یا حریر بر تن کرده و به نماز ایستاده باشد؛ یا زینت‌آلات طلا استفاده کرده باشد؛ مثل گردن‌بند، انگشتر، دستبند و امثال اینها و با آن به نماز ایستاده باشد، نمازش باطل است. یا از منظر جهت قبله، اگر عمداً از قبله رو بگرداند و به سمت دیگری نماز بخواند؛ ولو اندک، ولی عمدی؛ این نماز درست نیست و اگر سهوی باشد، با اندکی انحراف به راست یا چپ نماز باطل نمی‌شود؛ ولی اگر پشت به قبله بایستد و نماز بخواند، اگر بعداً فهمید، باید آن نماز را اعاده کند. یا در مورد وقت، فرد قبل از اینکه وارد وقت شود، نماز بخواند؛ مثلاً قبل از اینکه اذان ظهر را بگویند، شروع کند به خواندن نماز ظهر و نماز ظهرش در بیرون وقت خوانده شده باشد، این نماز درست نیست؛ یا اگر بعد از وقت، یعنی بعد از اینکه نماز قضا شد، به قصد ادا نماز را بخواند، آن نماز مشکل دارد. یا در ترتیب نمازها، مثلاً وقت وارد شده است؛ ولی قبل از اینکه نماز ظهرش را بخواند، نماز عصر را

خوانده است؛ نماز عصر او درست نیست؛ باید نماز ظهر را مقدم می‌داشت. یا در وقت اختصاصی نماز ظهر، که به اندازه‌ی چهار رکعت بعد از اذان ظهر است؛ نماز عصر را به‌جا بیاورد؛ این نماز درست نیست. در ترتیب نمازها هم مهم است که جاهایی که وقت مشترک دارند، مثل مغرب و عشاء یا ظهر و عصر ترتیب مراعات شود؛ یعنی اول نماز ظهر خوانده شود، بعد نماز عصر؛ اول نماز مغرب خوانده شود، بعد نماز عشاء. اگر خلاف این ترتیب خوانده شود، نماز پذیرفته نیست و صحیح نخواهد بود.

مبطلات در مقارنات نماز

۱. ترک عمدی واجبات غیررکنی: در واجبات نماز، که در مقارنات نماز است، اگر نمازگزار عمداً واجبات غیررکنی را ترک کند، نماز باطل است؛ مثل قیام (در هنگام نماز ایستادن)؛ مثل قرائت سوره‌ی حمد و سوره‌ی پس از آن، که اگر عمداً ترک کند، نمازش باطل است. یا اگر عمداً ذکر رکوع یا سجده را نگوید، نمازش باطل است. یا تشهد نخواند و یا سلام ندهد و بدون سلام از نماز بیرون بیاید، نمازش باطل است. یا در اجزای نماز، ترتیب را رعایت نکند؛ مثلاً اول رکوع است، بعد سجده؛ اگر خلاف این رفتار کند، نماز درست نیست. یا اگر پیوستگی و پی‌درپی بودن اجزای نماز را مراعات نکند که به آن موالات می‌گوییم. نماز باید پی‌درپی و به‌صورت پیوسته خوانده شود، اگر موالات بهم بخورد و توقف کند؛ مثلاً سوره‌ی حمد را خواند، مقدار زیادی توقف کند تا سوره‌ی بعد از حمد را بخواند؛ یا حمد و سوره را خواند؛ مقدار زیادی توقف کند و بعد به رکوع برود و موجب گردد پیوستگی از بین برود، نماز صحیح نیست. این در واجبات غیررکنی است؛ که اگر عمداً تخلف کند، نماز باطل است و اگر سهواً باشد راه جبران دارد.

۲. ترک واجبات رکعی: اما در واجبات رکعی چه عمدتاً و چه سهواً، اگر ترک کند، نماز صحیح نیست و باطل است.

۱. نیت، اگر کسی نیت نماز خواندن و قصد قربت برای خواندن یک نماز معین را نداشته باشد؛ بدون نیت، نماز صحیح نیست؛ چه عمدتاً و چه سهواً.

۲. تکبیرة الاحرام نگوید، چه عمدتاً و چه سهواً.

۳. قیام متصل به رکوع را چه عمدتاً و چه سهواً ترک کند؛ یعنی در حال غیرایستاده به رکوع برود، این نماز باطل است، چه عمدتاً و چه سهواً.

۴. رکوع را انجام ندهد، نماز باطل است.

۵. دو سجده را انجام ندهد. یک سجده رکن نیست؛ دو سجده رکن است؛ لذا اگر یک سجده ترک شود، راه جبران دارد؛ ولی اگر در یک رکعت نماز عمدتاً یا سهواً دو سجده را ترک کند، این نماز باطل است.

به هر حال ترک عمدی یا سهوی واجبات رکعی منجر به بطلان نماز می شود.

۳. سایر مبطلات در مقارنات: یا در هنگام خواندن نماز مست باشد؛ مثلاً مشروبات الکلی خورده باشد؛ یا مواد مخدر مصرف کرده باشد؛ حالت هشیاری نداشته باشد؛ یا خواب آلودگی شدیدی داشته باشد؛ که اصلاً متوجه نباشد چه می گوید، این نماز باطل است. یا اینکه در هنگام نماز حضور قلب و توجه اش از حدی که حتی بداند نماز چند رکعتی می خواند و در کدام رکعات نمازش قرار دارد؛ کلاً از بین برود و نداند رکعت چندم است؛ این نماز پذیرفته نیست. یا در رکعات شک کند، و دچار شک های مبطل شود.

شک‌های باطل‌کننده‌ی نماز

۱. مثل اینکه در رکعات نماز دورکعتی شک کند. نماز صبح می‌خواند، شک کند که رکعت اولم یا دوم؟ هرچه هم فکر کند، یادش نیاید؛ نماز باطل است.

۲. به‌همین ترتیب در رکعات نماز سه‌رکعتی هم شک کند، اگر به یاد نیاورد، نماز باطل است.

۳. و اگر در نماز چهاررکعتی اشکال خاصی از شک به وجود بیاید، آنها هم مبطل نمازند؛ مثل شک بین دو رکعت و پنج رکعت، این نماز باطل است. بین دو رکعت و شش رکعت یا بیشتر؛ بین سه رکعت و شش رکعت یا بیشتر و بین چهار رکعت و شش رکعت یا بیش از شش رکعت، نماز باطل است. اینکه در این موارد وظیفه‌ی نمازگزار چیست، در رساله‌های عملیه نوشته شده است. مراجعه می‌کنید.

خواستم اشاره‌ای کنم که مبطلات فقهی داریم که با احکام قلبی نماز در تعارضند و منجر به عدم‌صحت و بطلان نماز می‌شوند. اما در منافیات، به احکام قلبی می‌پردازیم. در فقه به احکام قلبی می‌پرداختیم؛ در عرفان به احکام قلبی می‌پردازیم. آنجا بحث بر سر این است که چه چیزی منافی مقبولیت نماز است؛ یا منجر به نقصان سازندگی‌های نماز می‌شود. می‌خواهیم به این بحث وارد شویم. در بحث اول، باید با مراجعه به رساله‌ی عملیه‌ی مراجع تقلید، اطلاعات کافی را به‌دست بیاورید و اگر نتوانستید از عبارات رساله متوجه شوید، از کسانی که به آن بحث مسلطند، سوال کنید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ